

گفت‌وگو با آقای ناصر یوسفی

این می‌پرسم که چگونه دانایی که برای تکمیل و بالابردن دانش و آگاهی مردم و افزایش تیر و توانایی خانه و ده و روستاها و شهرها و کشورهای خود از روی آیین و شهر و کشور خود از روی آیین و راستی تلاش می‌کند با کردار خود مانند تو خواهد شد ای خدای دانا... گات‌ها (سرودهای اشوزرتشت پیامبر بزرگ ایران باستان) این‌ها همه چیزها را به یکدیگر می‌رساند (هات ۳۳ بند ۱)

گفت‌وگو با آقای ناصر یوسفی، مدیر محترم موسسه پژوهشی کودکان دنیا، به بهانه‌ی سپاس کودکان ایران زمین از ایشان و همراهان دوست داشتی‌اش در موسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا... در میان انسان‌ها، افرادی هستند که نه تنها به فکر خودشان می‌باشند بلکه به فکر جامعه‌ی انسانی هستند یکی از این انسان‌ها آقای ناصر یوسفی است که همواره سعی می‌کند با یاران خود در موسسه‌ی پژوهشی که نان دنیا کارهای فراوانی را برای کودکان زیر شش سال انجام دهند... پرسش: آقای ناصر یوسفی ابتدا اگر لطف کنید می‌خواستم از خودتان و خانواده و دوران تحصیل برای خوانندگان ما توضیح دهید... ناصر یوسفی: من فرزند سوم خانواده هستم. با زندگی ساده اما پر بار، کنار پدر و مادرم و خواهر و برادرم زندگی می‌کنم. من در محیطی بزرگ شدم که تحصیل و دانش یک ارزش مهم بود. با این آگاهی که باید این دانش در خدمت یاری رساندن به مردم

باشد... تحصیلاتم را در مدرسه‌های بسیار خوبی از جمله فیروز بهرام که مربوط به زرتشتیان است، گذراندم. من هیچ وقت از کتاب‌های درسی و روشی که در مدرسه‌ها بود لذت نمی‌بردم. خیلی وقت‌ها حضور فیزیکی داشتم. دوران تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه تهران گذراندم و در حال حاضر دانشجوی دکترا در آموزش و پرورش هستم. پرسش: نخستین حرفه‌هایی که برای به وجود آوردن موسسه پژوهشی کودکان دنیا انجام داده‌اید به چه صورت بوده است؟

ناصر یوسفی: پیشینه‌ی فعالیت‌های من از ۱۳۶۵ به شورای کتاب کودکان برمی‌گردد و تجربه‌های بی‌ظنیری را در این شورا به دست آوردم. از سال ۱۳۷۰ پس از پایان دوره‌ی دانشگاه به طور خاص روی دوره‌ی کودکان خردسال کار کردم. در آن سال‌ها می‌دیدم هنوز توجه به کودکان خردسال و آموزش آن‌ها جزو برنامه‌های رسمی دولت نبود و به تقریب هیچ برنامه‌ای برای حمایت از جریان‌های آموزشی کودکان وجود نداشت از همان سال‌ها به همراه تعدادی از همکارانم در شورای کتاب کودک نخستین فعالیت‌های کار برای کودکان خردسال را در قالب تهیه و تدوین کتاب مرجع آموزش پیش از دبستان آغاز کردیم و آن‌چه که به نظر می‌آمد، آمار سنگینی از کودکان خردسال بود که تعداد آن‌ها به ۱۲ میلیون نفر در ۱۳۷۲ می‌رسید و از این تعداد تنها ۱/۵ درصد به مهد کودک می‌رفتند که در عمل یعنی هیچ. در حالی که در کشور سوئد نزدیک به ۹۰ درصد کودکان از مرکز پیش دبستانی استفاده می‌کردند و یا نروژ بالای ۹۰ درصد کودکان از مهد کودک استفاده می‌کردند و به این ترتیب اگر می‌خواستیم جدول بکشیم ما جزو آخرین کشورها بودیم که کودکان خود را زیر پوشش برنامه‌های سازمان‌یافته‌ی آموزش و پرورش داشتیم. پرسش: شروع کار در موسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا به چه صورت بوده است؟

ناصر یوسفی: در ابتدا با کمک گروهی از کارشناسان، هنرمندان و مربیان کارمان را در ۱۳۷۳ آغاز کردیم. با این هدف که به رشد و توسعه‌ی آموزش کودکان خردسال یاری برسانیم. تهیه‌ی منابع آموزش، برگزاری دوره‌های کاربردی و همچنین اجرای طرح‌های پژوهشی در سطح کشور از جمله کارهایی بود که از همان ابتدا در دستور کارمان قرار دادیم. طیف کاری ما خیلی سریع و متنوع شد. از تهیه‌ی منابع ساده برای آموزش خانواده‌ها تا دوره‌ی آموزش برای مربیان مهد کودک‌ها و ارتباطات با مراکز دولتی برای

سیاست‌گذاری برای پیشرفت کودکان زیر شش سال و همچنین همکاری و استفاده از مراکز صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در حوزه‌ی فعالیت‌ها قرار گرفت.

پرسش: چه شد که سراغ روستاها رفتید و به چه صورت کار را شروع کردید؟  
ناصر یوسفی: تمرکز اصلی برنامه‌های رشد و تکامل کودکان خردسال برای کودکان محروم است به همین دلیل یک طرح پژوهش را در تعدادی از روستاهایی که فاقد مرکز آموزش برای کودکان زیر شش سال بودند، پیدا کردیم. سپس با برنامه‌ریزی متنوع به همراه اعضا و یاران فعال موسسه که در زمینه‌ی پیشرفت کودکان تخصص داشتند فعالیت را آغاز کردیم. برای نمونه در ۱۳۷۴ با همکاری اداره‌ی تعاون وزارت کشاورزی در چهار روستا، در زمان کاشت و برداشت محصول مهد کودک‌های فصلی را راه‌اندازی کردیم، به دختران روستا آموزش‌هایی در رابطه با کار با کودکان خردسال دادیم تا بتوانیم مهد کودک‌های روستایی را به‌وجود آوریم. سپس در ۱۳۸۰ با همکاری صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) این طرح را گسترش دادیم و موفق شدیم با همکاری ارگان‌هایی دیگر مانند بهزیستی، ۳۶۰۰ مهد کودک روستایی را سازمان‌دهی کنیم و امروز سازمان بهزیستی اعلام می‌کند بالای ۶۰۰۰ مهد کودک روستایی به‌وجود آمده است و خود سازمان بهزیستی سرپرستی می‌کند و اگر حساب کنیم هر مهد کودک ۵۰ بچه را آموزش دهد با حساب ۶۰۰۰ مهد کودک سیصد هزار کودک آموزش می‌بینند و این برای ما جای بسیار خوشوقتی است.

پرسش: در اطراف تهران این کار شما به چه صورت بوده است؟  
ناصر یوسفی: چون اطراف تهران همچون منطقه سیزده آبان و شهری از امکانات آموزشی کمی برخوردار بودند با طرح مربیان بسیار آموزش کودکان را نیز در آن منطقه شروع کردیم. مربیان دوره‌دیده به پارک‌های آن منطقه مراجعه می‌کردند و با زیراندازهایی کلاس جدیدی را به‌وجود آوردند. آن‌ها برای کودکان انواع اسباب‌بازی همچون پازل و خمیربازی و کتاب و لوازم نقاشی داشتند. در سال‌های بعد سعی کردیم برای مادران آن منطقه نیز کارهایی را درست کنیم که بتوانند تامین مالی داشته باشند تعاون آشپزخانه‌ی محلی و تعاون کتاب‌های پارچه‌ای در منطقه سیزده آبان که به‌وسیله‌ی موسسه مادران در منت شده است از موفق‌ترین تعاونی‌های زمان در کشور ماست. سپس

در آن محله سعی کردیم که از طریق آموزش به رشد و بالندگی مردم منطقه یاری رسانیم. پرسش: موسسه طرح بزرگی نیز در حاشیه‌ی شهر زاهدان داشت. بی‌رحمت کمی از این طرح نیز بگوئید.

ناصر یوسفی: در سال ۸۲ در زاهدان و حاشیه‌ی شهر را دیدیم که اوضاع احوال کودکان از لحاظ آموزش، وضعیت خوبی ندارد و سعی کردیم که با کمک استانداری و سازمان بهزیستی در آن منطقه به توسعه‌ی مخورهای حاشیه‌ی شهر کمک کنیم که البته سازمان بهزیستی نظرش این بود که مهد کودک‌های حاشیه‌ی شهر باید استاندارد باشد و ما می‌گفتیم که شما یک ساختمان مناسب در حاشیه‌ی شهر پیدا کنید و ما حرفی نداریم که استاندارد باشد. به هر حال سعی کردیم بهزیستی و بقیه‌ی دست‌اندرکاران کودک را قانع کنیم. طوری شد که سازمان بهزیستی پس از پنج سال، راه‌اندازی مهد کودک حاشیه‌ی شهر را تصویب کرد و این موفقیت بزرگی برای ما بود. پرسش: آیا کمسانی که با شما همکاری می‌کنند حقوق هم دریافت می‌کنند؟ بودجه‌ی این کار را از کجا تامین می‌کنید؟

ناصر یوسفی: شعار ما نخست بر این بوده است که هر بچه‌ای از بدو تولد باید بهترین امکانات را داشته باشد و ما می‌توانیم همه‌ی دست‌اندرکار کودک باشیم و با یک تعهد اجتماعی شور و شوق را از خود بچه‌ها یاد بگیریم. بودجه‌ی ما از حق عضویت‌هایی که مردم برای عضویت پرداخت می‌کنند و فروش کتاب‌ها و اسباب‌بازی‌هایی که تولید می‌کنیم به دست می‌آید و هیچ وقت مشخص نیست که ما چقدر بودجه داریم. با تمام این‌ها هر کاری که انجام داده‌ایم به علت نداشتن بودجه متوقف نشده است. همیشه نیروهایمان آماده هستند برای هر گونه برنامه‌ای که در راستای فعالیت موسسه برای کودکان ایران زمین باشد. برای نمونه وقتی زلزله اتفاق افتاد ما سعی کردیم نیروهایمان ۲۴ ساعته آن‌جا باشند و با سازمان‌های فعال در منطقه نیز بسیار همکاری کردیم.

پرسش: کارهای انتشاراتی شما به چه صورت بوده است؟ ناصر یوسفی: ما سعی کردیم کتاب‌هایی ساده را از ابتدایی برای کودکان، یعنی از نوزادی برای خانواده‌ها و مهد کودک‌ها آماده سازیم. همچنین کتاب‌هایی را برای سن‌های مختلف کودکان و مسایلی که آن‌ها در پیش‌رو دارند همانند نظم در خانه، غذا

خوردن کودکان و پرسش‌های جنسی کودکان و... ماکتاب‌هایی داریم بر اساس کار روان‌شناسی کودکان و مسایل مختلف که همیشه عزیزانی که اهل مطالعه هستند و به دنبال مسایل جدید برای کودکان هستند به ما مراجعه می‌کنند و اطلاعات جدیدی را به خودشان اضافه می‌کنند. به خصوص مریبان مهدکودک‌ها. مجله‌ای به نام بنادبادک‌ها برای کودکان آماده کرده‌ایم که تاکنون نزدیک ۶۰ شماره به در منزل خانواده‌ها فرستاده‌ایم و سعی کردیم بچه‌های آن‌ها را شاد سازیم و اخلاقت آن‌ها را بالا ببریم.

پرسش: موسسه‌ی شما چه بخش‌هایی دارد؟  
ناصر یوسفی: بخش‌های مختلفی در موسسه به‌وجود آوردیم که مهم‌ترین آن‌ها انجمن منطقه‌ای است که در دوازده استان فعال است. کارهایی که در تهران برنامه‌ریزی می‌شود و در شهرستان‌ها به‌وجود می‌آید و این انجمن‌هایی منطقه‌ای سالی یک‌بار گرد هم می‌آیند و از تجربه‌های یک دیگر برای مسایل کودکان استفاده می‌کنند. در سال ۱۳۸۶ در مشهد این گرد هم آیی انجام پذیرفت و دهمین گرد هم آیی در تهران انجام پذیرفت.

پرسش: در نقشه‌ی ایران که در دفتر شما نصب شده، مسیر شهرستان‌های ایران زمین که مراجعه کرده‌اید علامت خورده‌ها آیا خارج از کشور نیز موسسه فعالیت داشته است؟  
ناصر یوسفی: موسسه را موسسه پژوهشی کودکان دنیا نام نهاده‌ایم و برای این فکر کرده‌ایم به بچه‌های دنیا از بچه‌های ایران جدا نشده‌اند برای بچه‌های افغانستان امکاناتی خوب واگذار باشند بچه‌های ایران زمین خیز دارای امکانات خوبی هستند. برای همین منظور به فکر کشورهای نزدیک ایران بودیم و هستیم. برای کودکان افغانستان فعالیت‌هایی داشتیم. در امارات برای بچه‌های ایران جشنواره بازی داشتیم و کارهایی در این زمینه انجام دادیم و امیدواریم برای بچه‌های مقیم خارج از کشور نیز فعالیت‌هایی داشته باشیم.

پرسش: گروه دوستداران کودکان و نوجوانان زرتشتی (مهراندیش) که تازگی برای کودکان و نوجوانان زرتشتی تشکیل شده، چه همکاری داشته‌اید؟  
ناصر یوسفی: همکاری صمیمانه با آن‌ها داریم. برگزاری جلسه‌های مشورتی، شرکت در دوره‌ها، تبادل اطلاعات بخشی از این همکاری است و امیدواریم آن‌ها هر

روز از روزهای قبل موفق تر باشند. پرسش: آیا به نظر شما به نتیجه‌ی مطلوب رسیده‌اید؟ ناصر یوسفی: نتیجه‌ی مطلوب با توجه به شرایطی که در آن زندگی می‌کنیم، معنادار می‌شود. در حال حاضر نزدیک به ۲۰ درصد بچه‌ها از برنامه‌های آموزش پیش دبستانی استفاده می‌کنند که نسبت به سال ۱۳۷۳، ۱ درصد بیش تر شده است. به هر حال اسناد و گزارش‌ها نشان می‌دهد توجه به کودکان خردسال خیلی جدی تر شده است هر چند که آموزش و پرورش هیچ تعهدی برای حمایت از کودکان خردسال برای خود ندارد و هنوز باید خیلی کار کنیم نه تنها ما بلکه همه‌ی کسانی که دوستدار کودک هستند و کیفیت آموزش در مهد کودک‌ها را خیلی بالا ببریم و همچنین فعالیت در جاهایی که مهد کودک وجود ندارد را همچنین به همین ترتیب که در موسسه ما برای نخستین بار شروع کردیم. گفت‌وگو بیش تر از این بود و می‌باید با آقای یوسفی عزیز خدا حافظی می‌کردیم. چون عده‌ای از دوستان منتظر بودند که با ایشان برای کارها و پروژه‌هایی که داشتند صحبت کنند به فکر فرو رفتیم که کودکانی که در مناطق محروم با همت آقای یوسفی و همکارانشان آموزش مختلف دیده‌اند و به آن‌ها مثل اعضای خانواده خود عشق می‌ورزند. من یاد گرفتم که چگونه می‌توان برای پیشرفت این سرزمین اهورایی و پیشرفت کودکان این سرزمین آستین‌ها را بالا زد و کار کردن را آغاز کرد. آرزوی پیروزی و شادمانی را برای تک تک اعضای موسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا به خصوص آقای ناصر یوسفی که انسانی با اراده و سخت‌کوش که فردایی بهتر را برای کودکان این سرزمین پهناور می‌خواهد.

عزیزان برای ارتباط با موسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا با این نشانی می‌توانید مکاتبه داشته باشید. تهران. صندوق پستی ۳۶۷-۱۷۶۶۵